

ریاضیات زندگی

اگر جهان بر پایه محاسبات خدایی اش خلق نمی شد؛ هیچ گاه امیدی برای تحول؛ ابتکار و پیشرفت نمی داشت. اگر قانون ثابت روزمرگی؛ آدم نمایی و تفکرات مطلق؛ سیاه و بی دلیلی هر عصر با کمتراندیشه ای قابلیت واژگونی نداشت؛ لقب "انسان امروزی" را یدک نمی کشیدیم!

اگر به حد اندیشه هایمان امید نداریم؛ اگر از زمان می ترسیم؛ اگر هزاران بار راه های نرفته مان را می نگریم؛ هزاران بار چشم به سفیدی افکارمان می دوزیم؛ بی شک در کسر کوچکی خود را گنجانده ایم که شاید به اکثریت گرد شویم ولی همیشه می توانیم محاسبات را بر هم زنیم! به اعداد گنگ و مبهم زمان می نگریم؛ اعدادی که هر کدام در مجموعه مادر؛ جایگاهی بر محور آفرینش دارند. بی شک خلق شدیم تا آن اعداد را در مجموعه های خویش بگنجانیم!

بچگی هامان را در شیب تند سهمی می گذرانیم؛ نزول می کنیم تا انسان شویم؛ دگر بار از شیب سهمی بالا می رویم؛ از نمودار پرت می شویم! حال خط دیگری بر محور ها حک می کنیم؛ نمودار خود را می کشیم؛ با تمام کسانی که در نقطه های این تابع بی کران؛ دوستشان داریم؛ با بعضی می جنگیم؛ بعضی را کنار می زنیم؛ به آنها که در پی تقلید نمودار اولیه اند می خندیم؛ آنها هم به ما می خندند! هر دو در یک صفت ایم ولی با شیب های متفاوت! ما پله های برکت را به شوق بینهایتی که امید داریم طی می کنیم!

زبان افکار در ترجمه روزگار ما باز می ماند ولی الفبای تابع بی کران خلاقیت؛ احتمال انسانیت و حد بینهایت هوش را به خوبی می شناسد.

اگر مجذور افکارمان عددی باشد؛ بی شک انحصار آن؛ دوران نبوغ را می آفریند. پس به حکم جبر؛ دوران را از دست ندهیم!

ت. خسرو شاهی

دانش آموز ابوریحان